

ترجمه

چیستان‌ها به عنوان یک پدیده روانشناختی در فولکلور^(۱)

با تأکید بر اسطوره‌ها، قصه‌های شاه پریان و هنر چیستان‌گویی

نوشته: آنا استفانوا

ترجمه: رضا خاشعی*

khasei@radioresearch.ir

براساس نظریه روانشناسی تحلیلی، «ناخودآگاه جمعی» بخشی از ساختار شخصیت است که معمولاً در رؤیاها، نشانه‌های روان‌پریشی، توهمات، تصورات، انگاره‌ها، اصوات انسانی، نگرش‌ها و اشکال و فرمهای مختلف ظاهر می‌شوند. اما پدیده روانشناختی معمولاً در برخوردها، ارتباطات و سبک زندگی ظاهر می‌شوند. لذا می‌توان آنها را عیناً در فعالیت‌های مختلف فرهنگ، مذهب، فولکلور، تعصبات، شعائر، کیمیاگری، علوم و چیستانها مشاهده کرد.

چیستانها را می‌توان به عنوان یک پدیده روانشناختی در نظر گرفت. به آنها می‌توان بعنوان نوع ویژه‌ای از برخورد و ارتباط نگاه کرد (برای مثال: برخورد بین ازدها و قهرمان در داستان‌ها، برخورد بین افسونگر و کسی که راه خود را در جنگل گم کرده است). کلیه این چیستان‌ها دربهای اسرارهای ناشناخته را باز می‌کنند، اسراری که ما را یا به گنجهای باستانی و یا به سوی فنا و نیستی می‌رسانند، و تنها کسی می‌تواند بطور موفقیت‌آمیزی به آینده راه یابد که قادر باشد جواب صحیح را پیدا کند. حل چیستان‌ها معمولاً با گفتن چیزهای شایعی که قبلاً آنها را می‌شناخته‌ایم، صورت می‌گیرد، در صورتی که هرگز آنها را بدین شکل ندیده‌ایم. در واقع درک چیزهایی است از یک نظر جدید یا به تعبیری از نظر سؤال چیستانی است که از ما پرسیده می‌شود. این «نگاه جدید» عبارتست از ورود به زبان استعاری چیستان، پذیرفتن اصول و قواعد آن، و رفتن در سطح عقلانی روزمره به سطحی سمبولیک و حتی بالاتر و سپس بازگشتن به دنیای

۱- این مقاله به زبان انگلیسی در فصلنامه فولکلور (شماره ۳۵، سال ۲۰۰۷) وابسته به انستیتو فولکلور کشور استونی، در گروه رسانه و باورهای مردمی چاپ شده است.

* کارشناسی ارشد مردم‌شناسی

عقلانی روزمره و آوردن پاسخ‌های جدید برای دنیای ما.

چیستان راه موجز و مجملی است برای نگاه به دنیا و مهمترین چیزی که در آن وجود دارد یک معنا (Meaning) است و این معنا همانا تجربه کردن نمونه نخستین (Archetype) است. (نمونه نخستین: اقتباسی است از تصورات و مسائل تجربه شده بسیار قدیمی، کورسینی، ۱۹۹۸، ۸۱). به عبارت دیگر حل چیستان انتقالی است که از ضمیر ناخودآگاه به خودآگاه صورت می‌گیرد. در واقع حل یک چیستان برگردان نماد چیستان است به زبان عقلانی امروزی. پاسخ چیستان واژه‌ای است که از دنیای ما برخاسته است، دیدنی است، خودآگاهانه و عقلانی است، در حالی که سؤال چیستان پیرامون نمونه نخستین است، آنها اقتباسی از یک گروه و توده هستند) و فقط از یکسری از واژگان تشکیل شده‌اند.

شخصی که از میان این نوع از ائتلاف (بین خودآگاه و ناخودآگاه) عبور می‌کند و محتویات جدیدی را در خودآگاه خود جای می‌دهد در واقع اطلاعات بیشتری درباره خودش و دنیا کسب می‌کند. در مسیرهای هدفمند و مهم که اغلب هم تاریک و مبهم است، معمولاً موانع متعدد و به هم پیوسته‌ای وجود دارند که دورتا دور ناخودآگاه را فراگرفته‌اند. این موانع باعث محقق شدن واقعیت‌های جدید می‌شوند. حال هرچه مشکلات و موانع برای حل چیستان‌ها بیشتر و بزرگتر باشد، رغبت و اشتیاق شخص برای پذیرش و حل چیستان بیشتر خواهد شد، زیرا دانش و معرفت فقط از میان مشکلات بیرون می‌آید. اغلب اوقات مسیر، خودش نوعی هدف است، مخصوصاً این موضوع برای خواننده داستان صدق می‌کند، چرا که او پا به پای قهرمان داستان در هر مرحله و ماجرای پیش می‌رود و نهایتاً تجاربی از زندگی قهرمان داستان کسب می‌کند. قهرمان داستان به پادشاهی می‌رسد و ملکه به جامه زرین شکوه و جلال، اما آنچه برای خواننده داستان باقی می‌ماند گنجینه ارزشمندی از فرزاندگی، عواطف، دانش درونی، تجربه، هیجان به هنگام وقوع اتفاقات داستان و یکی شدن با قهرمان داستان است که وی در خلال داستان آنها را تجربه می‌کند.

می‌توان گفت چیستان‌ها در مرتبه‌ای بالاتر از ارتباطات روزمره بشری قرار گرفته‌اند؛ ارتباط «من» با «من» («خود»). قهرمان در داستانها، نماد خودآگاه است و خواننده معمولاً خودش را با او یکی می‌سازد، همچنین ازدها که مبین بخش دیگری از شخصیت خواننده است. بخش دیگر شخصیت خواننده ناخودآگاه است که در واقع نوعی احساس است و خواننده آن را به درستی درک نمی‌کند و از آن اطلاعی ندارد. رفتن به سمت ماجراجویی در داستانها در واقع اشتیاقی است برای ارتقاء معرفت و بصیرت «خود»، همانطور که جانگ هم می‌گوید: این موضوع مهمترین چیزی است که انسان نیاز دارد (جانگ، ۲۰۰۱، ۷۱). پاسخ چیستان در واقع آوردن دانش و بصیرت است به سطح خودآگاه که این فرایند فقط از طریق قهرمان داستان امکان‌پذیر است.

مطرح ساختن چیستان در واقع پاسخی است به یکی دیگر از نیازهای انسان: پذیرفتن دنیا توسط بازی‌هایی که بوسیله موجودیت نمونه نخستین از یک بازی اولیه قابلیت شرح و بسط می‌یابند.

طراحی یک سؤال درست می‌تواند منجر به پاسخی عاقلانه شود که این پاسخ باعث بیشتر شدن عمق دانش و بصیرت می‌شود. در واقع پاسخ عاقلانه درون سؤال صحیح نهفته است. به این مجموعه، چیستان می‌گوئیم؛ نوعی تردستی (اگر بخواهیم از ادبیات کیمیاگری استفاده کنیم). بین سؤال و پاسخ معمولاً ارتباط رموزی هست که وجود آنها در کنار یکدیگر منتهی به درون‌بینی می‌شود، آنها در درون خود بخشهای یکسانی از تز و آنتی تز دارند (ساموئلز، شورتر، پلات، ۱۹۹۵: ۱۶۲) ترکیبی از تضادها، یک نماد از دنیا و «خود» این در حالی است که آنها فقط یک هسته و مغز دارند. این بصیرت و درون‌بینی کسب شده در واقع نزدیکترین پله به مرحله «خود» می‌باشد. بازی با چیستان مانند چراغی است که در دل تاریکی از طرف مرد کهنسال به خردسالی داده می‌شود. این تشبیه در واقع نماد تبادل تجربه بین نسلها است. در این فرایند، هر دو طرف درگیر این بازی در حال ارتقاء دانش و بصیرت هستند. این در حالی است که چیستانها نسلها را به هم پیوند می‌دهند تا این نسلها امکان تجربه کردن اسرار پر رمز و راز نمونه نخستین را پیدا کنند. حال این بازی جاودانه در جستجوی «خود» بودن، مطرح کردن سؤالات و جوابهای صحیح، رسیدن به رموز نمونه نخستین و درک مقدمات، لذت زیادی به دنبال دارد..

در منابع فولکلوریک، چیستانها پدیده‌هایی شفاهی هستند که معمولاً در گفتارهای مکتوب دیده نمی‌شوند. گفتن یک چیستان گاهی به صورت آبی (خلق الساعه) اتفاق می‌افتد. بدیهی است چیستانهایی که قبلاً آنها را شنیده‌ایم معمولاً لذت و تجربه جدیدی به همراه ندارند (دقیقاً مانند جوک‌هایی که قبلاً آنها را شنیده‌ایم. مطابق نظر فروید، فرایندهای نخستین نقشی اساسی در ایجاد شدن جوکها دارند؛ فرایندهایی که از "Ego" نشئت می‌گیرند (برنر، ۱۹۹۳: ۱۲۸-۱۲۶). احتمالاً براساس تئوری فروید، چیستانها را می‌توان با لطایف و جوکها از منظر داشتن یک وجه خودآگاه و یک وجه ناخودآگاه در هردوی آنها مقایسه کرد. در روانکاوی، گوش دادن فعال، آشکارسازی، همچنین تبدیل نگرشها و گرایشهای فرد که معمولاً از سطح ناخودآگاه- خودآگاه در حال حرکت است، شباهت‌های زیادی به فرایند طرح سؤال و دریافت جواب در چیستانها دارد.

حل چیستانها با فرایند پیشگویی کردن نیز شباهت زیادی دارد (در بلغارستان هنوز از نظر گفتاری بین این دو واژه شباهت زیادی وجود دارد). پیشگو معمولاً با مردود شناختن بسیاری از واقعیتها و رد بسیاری از پاسخهای محتمل فقط به دنبال یک پاسخ می‌گردد. پیشگو هم دقیقاً مانند کسی که مبادرت به حل چیستان می‌کند، ابتدا تصورات، انگاره‌ها، خیالات، نشانه‌ها و نمادهایی از یک طبقه و گروه همخوان (synchronic) که به واقعیت و دنیای عقلانی امروز نزدیک‌ترند، با یکدیگر مرتبط کرده و سپس تلاش می‌کند توسط کلماتی مناسب آنها را بپوشاند و به مخاطب ارائه دهد. پیشگو نیز دقیقاً مانند حل‌کننده چیستان در صورتی می‌تواند در کار خود موفق شود که در موضوعی عمیق و پیرامون آن دانشی چند وجهی کسب کرده باشد. همچنین بایستی دارای مهارتی ویژه جهت یافتن و بافتن پاسخهای مورد نظر از میان پاسخهایی که قبلاً آنها را تجربه کرده، باشد؛ چرا که واقعیت فقط آن واقعیتی است که از طرف ما منعکس شده است. در

واقع پیشگوها افراد ماهر و تیزبینی هستند (مانند پرندگان شکاری) که با بهره‌گیری از اصول و قواعد ماوراء الطبیعه چیزهای مهم را حس می‌کنند. (واقعیت برخاسته از ما را حس می‌کنند و دوباره با کلمات قابل قبول به ما برمی‌گردانند).

خلق یک چیستان مثل رقصیدن با نمونه نخستین و آموختن مراحل آن است که شامل وقایع، پدیده‌ها و اشیا به همراه مهمترین ویژگی‌ها و جنبه‌های آنهاست. برای دنباله‌روی از نمونه نخستین دانستن برخی چیزهایی که به آن گروه تعلق ندارد، ضروری است، زیرا آنها سؤال را نادرست و پاسخ را غیرممکن جلوه می‌دهند. هرگاه بین سؤال و پاسخ یک نوع همسازی و همراهی کامل وجود داشته باشد، منجر به درون‌بینی و لذت درونی خواهد شد و این تنها راهی است که یک چیستان می‌تواند واقعی، کامل و حقیقی به نظر بیاید. حال اگر در این میان اشتباهی صورت بگیرد، مطمئناً امور سحرانگیز رخت بر می‌بندد و لذت و خوشی از دست می‌رود. در چیستان هیچگونه سوءتفاهم، مغایرت و تفسیری وجود ندارد بلکه یک چیستان در عین اختصار، توصیف کامل و جامعی است که مربوط به قسمتی از دنیا می‌باشد.

قدرت چیستان‌ها در ارائه واقعیتهای عقلانی، منطقی و خودآگاه از دنیا خلاصه نمی‌شود بلکه قدرت واقعی چیستان‌ها در واقعیت نمونه نخستین و احساساتی که از تجربه نخستین نشئت می‌گیرد، نهفته است. عبارت «حالا من می‌خواهم یک چیستان از شما ببرسم» در واقع دعوتی است برای وارد کردن شما به دنیایی دیگر، دعوتی است برای ترک امور روزمره‌ای که درگیری‌های زیادی برای ما وجود آورده است. این دقیقاً شبیه عبارت «یکی بود، یکی نبود...» است. با این عبارت دنیای اطراف برای مدتی ناپدید می‌شود و آنهایی که با این ادبیات مورد خطاب قرار می‌گیرند معمولاً به جایی دیگر، مکانی دیگر، دنیایی دیگر و در زمانی دیگر منتقل می‌شوند.

یک چیستان همچون قصه شاه پریان، قادر نیست اطلاعاتی علمی و ملموس درباره دنیای ما ارائه کند، بلکه معمولاً حسی را در مورد الگو و توازن دنیا الهام می‌کند.

در واقع چیستان تلاشی است برای تسخیر نمونه نخستین و انتقال و تبدیل آن به واژگان، زیرا واژگان نمونه نخستین هنوز واژگانی شفاف، دست نخورده و بدون شکل هستند.

نظر دورکهایم درباره مفاهیم «قدسی» و «دنیوی» مع‌العلوم انسانی

اگر ما نظر دورکهایم را درباره تفکیک دنیا به امور قدسی (sacred) و دنیوی (profane) بپذیریم و آن را به‌کار ببریم، چیستان‌ها می‌توانند به دو گروه تقسیم شوند: گروه‌های گسترده و متفاوت. چیستانهایی که ما از آنها بعنوان چیستانهای دنیوی یاد می‌کنیم، چیزی شبیه یک آزمون می‌باشند، یک تکلیف و یک جواب مشخص؛ جوابی که قبلاً موجود بوده و آموخته شده است. از آنها می‌توان بعنوان روشی سودمند برای آموختن بهتر درس‌هایی چون: جغرافیا، زیست‌شناسی و ... استفاده کرد. در واقع روش مناسبی است برای آزمون دانش‌آموزان و ارزیابی آنها در امتحانات. آنها هیچ سهم و شباهتی با چیستان‌های موجود در حوزه فولکلور ندارند، زیرا پاسخ‌ها، تجارب و

موقعیت‌هایی که آنها خلق می‌کنند، کاملاً متفاوت است.

این دو گروه، با یک الگو و نقشه یکسان ساخته شده‌اند ولی از نظر معنا، نتیجه و هدف، کاملاً متفاوتند. برای مثال: می‌توان بین یک شام معمولی و یک شام تشریفاتی و آئینی مقایسه‌ای انجام داد، می‌توان بین یک لباس معمولی و یک لباس تشریفاتی و آئینی مقایسه‌ای انجام داد، ظاهراً هر دو کنش‌های مشابهی به نظر می‌رسند، اما کاملاً از نظر معنا با یکدیگر اختلاف دارند. هردوی آنها از یک منشأ «نمونه نخستین» سرچشمه گرفته‌اند. اما در مورد چیستانهای «قدسی» ما قادریم آنها را احساس کنیم، زیرا ما در خصوص چنین موقعیت‌هایی دارای تجربه هستیم، ما آنها را به یک طبقه و رده وجودی (مربوط به هستی) مرتبط دانسته و در واقع به یک موقعیت کلی، حقیقی و قدیمی معنا می‌بخشیم. نماد و پدیده‌های مرموز در چیستان‌های دنیوی جای ندارند، نمادها به نشانه‌ها تبدیل شده‌اند. فقدان تجربه نمادین و مرموز، همچنین بی‌حرمتی به امور قدسی یکی از ویژگی‌های دنیای مدرن است، که جانگ در خصوص آن مطالب زیادی نوشته است. چیستان‌های حوزه فولکلور معمولاً برای تست و آزمون‌های روزانه و معمولی داده نمی‌شوند، چیستان‌های مورد استفاده در آزمون‌ها معمولاً کم محتوا هستند.

گروه دیگر چیستان‌های «قدسی» هستند که اغلب اوقات همانند زندگی قهرمان داستان، هدفی که وی به دنبال آن است، آزادی و استقلال وی، همچنین تقدیر و سرنوشت او همگی در گرو آن است.

این دسته از چیستان‌ها به چیستان‌های نجات بخش (Neck Riddle) مشهورند. همه آنها نمادهایی از «خود» هستند. در این میان پیوند بین ضمیر ناخودآگاه و خودآگاه نقش بسیار اساسی دارد. در میان چیستانهای «قدسی» یک گسست و جدایی بین خودآگاه و ناخودآگاه به چشم می‌خورد، سؤال و جواب درباره اشیا کاری عقلایی است؛ یک چیز پنهان شده در ضمیر ناخودآگاه که برای لحظه‌ای فراموش شده است اما خیلی ساده به یاد آورده می‌شود.

چیستان‌های نجات‌بخش

چیستان‌های نجات‌بخش در واقع نوعی از چیستان‌ها هستند که زندگی قهرمان (شخصیت داستان) به یافتن پاسخ آنها بستگی دارد. در این چیستان‌ها قهرمان بایستی به جواب چیستان دست یابد، لذا راه برگشتی ندارد. در واقع دوئلی است هوشمندانه بین بقاء و فنا که نه تنها سرگرمی به دنبال ندارد بلکه هراس و احساس نیستی برای قهرمان داستان به ارمغان می‌آورد، زیرا همه چیز قهرمان در گرو آن است. از نظر روانشناسی تحلیلی، دستیابی به «خود» دقیقاً مثل همین واقعه عمل می‌کند؛ دقیقاً شبیه آئین‌های اولیه (شعائر آغازین).

در این فرایند «خود» پیشین می‌میرد و جای خود را به «خود» جدیدی که در سطحی بالاتر از آن قرار دارد می‌دهد و حالا شخص جدید با شخص قبلی غالباً شباهتی ندارد. دقیقاً شبیه اودین (Odin = خدای خدایان در افسانه‌های اسکاندیناوی)، جنگاوری که بعد از ۹ روز و ۹ شب آویخته شدن بر سر دار، شخص جدیدی شد و به گنجینه‌ای از سخنان اسرارآمیز دست یافت و نهایتاً مشحون از

بصیرت، فرزاندگی، نبوغ و نشانه‌های خدایی شد.

در چیستان‌های نجات‌بخش اصل اساسی به «خود» رسیدن است. این لحظه به عنوان شروع و آغاز بسیار مهم تلقی می‌شود: در این میان هدف ممکن و اساسی مرگ «من» قدیمی و رسیدن به فردیت «خود» است. شرح این دوئل هوشمندانه بعنوان هراس یا سرگرمی با احساس معمولی قابل بیان نیست. در واقع امر قدسی و اسرارآمیزی است که فراتر از احساس ماست. (یک ویژگی از تجربه نمونه نخستین، ناخودآگاه) دقیقاً مانند افسانه «اودین» این فرایند مأموریتی است برای قربانی کردن «من» برای رسیدن به «خود» (یک سطح بالاتر و جدیدتر از هستی، فردیت).

در بسیاری از منابع، چیستان‌ها «قدسی» هستند. این موضوع را نمی‌توان تنها توسط امور اسرارآمیز «نمونه نخستین» شرح داد بلکه در کنار آن بایستی با برگشت به زمان آغازین نسبت به شرح آنها اقدام کرد. (الاید، ۱۹۹۹)

ارتباط بین مطرح کردن چیستان و حل آن در دنیای دیگری اتفاق می‌افتد. مطرح کردن یک چیستان نوعی آئین مذهبی است. چیستان را نمی‌توان در لحظات پرهیاهوی زندگی روزمره مطرح کرد (چیستان‌ها با گفته‌های روزمره و تمثیل‌هایی که ما به هنگام کارکردن به دیگران می‌گوئیم، تفاوت دارند). هنگامی که ما قصد داریم چیستانی مطرح کنیم، بایستی بایستیم، نگاهمان را تغییر دهیم، بیندیشیم، احساس را به جریان بیندازیم و با دیدی دیگر به اطرافمان نظر افکنیم. چیستانها لازم است در یک فضای آرام و مناسب مطرح شوند، به‌خاطر اینکه آنها همیشه به یک چیز بااهمیت که کشف جدید و مهمی را در پی داشته‌اند، متصل شده‌اند. لذا کسی نمی‌تواند به چیستان در زمانی که مشغول انجام کار دیگری است، پاسخ دهد. برای پاسخ به چیستان لازم است فرد موردنظر به عقب برگردد (به نقطه آغازین)، به درون خود برود (جایی که همه چیز از یکسری اصول و قواعد بکر و بدون شکل تشکیل شده‌اند)، و زمانی که پاسخ مهیا گردد همه چیز شکل می‌گیرد و از حالت بی‌شکلی بیرون می‌آید.

چیستانها غالباً باعث ارتباط بین چیزهای نابرابر می‌شوند، مثل پیر و جوان، اژدها و قهرمان و غیره براساس این نظر یکطرف نماد یک میل فزاینده و طرف دیگر تجربه زایشمند که از ازلیت سرچشمه گرفته و به ابدیت می‌پیوندد را نمایان می‌سازد.

بنابراین آنها یک نوع از خلقت هستند، شبیه خلقت اولیه، شبیه نطق اولیه که الگوی همه امور مادی است، لذا کسی که مبادرت به حل چیستان می‌کند در واقع خودش یک خالق است که به اصل درون دست یافته و آن را به موضوع بیرونی تبدیل کرده و منتقل می‌سازد. واژگان یا نمادهای سؤال چیستان در واقع گفتاری هستند که فقط منجر به به‌وجود آوردن یک شیء می‌شوند و این کار فقط از عهده واژگان وزین برمی‌آید. اینها جنبه‌های آفرینندگی و آموزشی چیستان‌ها هستند. چیستان‌ها به ما می‌آموزند چگونه می‌توان به خلق دنیاها و موضوعات عینی پرداخت، حتی فراتر از این مسئله آنها به ما می‌آموزند که چگونه می‌توانیم یک خالق باشیم.

جواب دادن به چیستان در واقع آغاز یک فعالیت جدید برای کسانی است که به خودشان و دنیای اطرافشان پاسخ گفته‌اند. در واقع

این روشی است که منتهی به بزرگتر شدن انسان و دنیای او می‌شوند، زیرا انسان فقط قادر به دیدن چیزهایی است که می‌شناسد و نسبت به آنها آگاهی دارد و هیچ احساسی برای تشخیص چیزهایی که نمی‌شناسد، ندارد. بنابراین دنیای انسان در دانش و تجربه‌اش خلاصه شده است.

معمولاً اگر شیئی که کلید حل چیستان است حتی از نظر فیزیکی در مجاورت و نزدیکی چشم کسی که مبادرت به حل چیستان می‌کند، باشد، باز آن شخص به سختی قادر است جواب چیستان را حدس بزند. زبان چیستان معمولاً نیاز به تفسیر نمادها، نشانه‌ها و استعاره‌های موجود در سؤال دارد. حتی زمانی که کلید حل چیستان از روی فراست و زیرکی پیدا می‌شود، باز لازم است نسبت به برگردان آن به دنیای واقعیت و زبان قابل فهم (زبان نزدیک به امور روزمره) اهتمام کرد.

پاسخ، سؤال، ابهام

پاسخ‌های چیستان منحصر به فرد هستند، همیشه پاسخ یکی است، آنهم با یک معنای مشخص. در این میان جایی برای ظهور و بروز پاسخ‌های دیگر وجود ندارد. پاسخ آن چیزی نیست که شخص بخواهد در سؤال جستجو کند. در واقع آفرینندگی چیزی جز در جستجوی جواب بودن و مطرح کردن سؤال نیست (خلق مسیری که منتهی به هدف می‌شود). جای تعجب نیست که حتی دشمن هم پاسخ صحیح را می‌پذیرد، حتی اگر این پذیرش به معنی سقوط و نابودی وی باشد، زیرا حقیقت چیزی است که حتی دشمن شما هم نمی‌تواند آن را انکار کند. در واقع چیزی است که پذیرفته‌شدن آن بوسیله اصول و قواعد طبیعی الزام‌آور است. یک چیستان بایستی قابل حل باشد. اخلاقیات موجود در حوزه ارتباطات وادار می‌کند تا زبان چیستان‌ها از اموری چون: دروغ، حيله، پنهان‌کاری بخشی از واقعیت یا تغییر در شرایط رقابت برای رسیدن به هدف به‌دور باشد. پاسخ یک چیستان شبیه یک کلید است؛ کلیدی که فقط قادر است یک درب را باز کند. هر سؤال چیستان فقط یک پاسخ دارد. این ویژگیها (که درست و منحصر به فرد هستند) طبیعت نمونه‌های نخستین چیستانها را تأیید می‌کنند. این چیستانها در واقع به یک نوع و طبقه‌ای از اشیا و پدیده‌ها تعلق دارند و در فرایند آشکارسازی از امور کلی آغاز و به امور ملموس و منحصر به فرد رسیده‌اند.

ابهام یکی از مهمترین ویژگی‌های ناخودآگاه است. جانگ به وجود دو جریان متناقض در این خصوص اشاره می‌کند (برای مثال: در مسیحیت یک فرد می‌تواند مادر باشد در حالی که باکره است، همچنین در مسیحیت یکنوع سه گانگی (ثالثیت) وجود دارد که در واقع در آن سه برابر با یکی است و...) بنابراین ابهام در تمام پدیده‌های اجتماعی که ریشه در ناخودآگاه دارند، وجود دارد. در چیستانها ابهام به موقعیتی که سؤال در آن مطرح می‌شود، برمی‌گردد. کسی که سؤال را می‌پرسد در واقع رازی را در خود نگه می‌دارد که در داستانها به‌صورت: راز گنج‌های پنهان، راز پادشاهی، راز فرزندی و... متجلی می‌شوند. اما بالاخره زمانی فرا می‌رسد که نگهدارنده راز بایستی راز خود را به پاسخگوی چیستان بگوید. سؤالها معمولاً ابهام برانگیز (دوپهلو) هستند. از یک طرف سؤال بایستی همه چیز را شفاف ارائه دهد

و از طرف دیگر باید موجبات عدم تمرکز (گیجی) پاسخگو را فراهم کند. لذا ساختار سؤال هم دوپهلوی است. معمولاً سؤال از جمع نمادها تشکیل شده‌اند نه از ترکیب معانی سطحی لغات. (نماد طبیعتاً دوپهلوی است؛ یک بخشی از ناخودآگاه و بخشی هم خودآگاه).

بنابراین نگهداری راز یا آشکارسازی آن، شفاف‌سازی یا گیج کردن مخاطب، پرسیدن یا گفتن تجلی ساختار دوپهلوی سؤال است در حالی که پاسخ چیستان همیشه یکی است به مانند «خود» که وجود کامل و سالمی است. این نتیجه ابتکار، فردیت، و وحدت (بین خودآگاه و ناخودآگاه و بین تناقضات) است. مطابق اصول روانشناسی تحلیلی، یگانگی هدف نهایی هستی است، اما آخرین هدف برای هر خواسته‌ای نیست. اگر پاسخی دوپهلوی باشد هیچگاه نمی‌تواند «خود» باشد. در این وضعیت هیچ کلیت واحدی ایجاد نمی‌شود، هیچ ابتکار مقدسی شکل نمی‌گیرد و هیچ وحدتی محقق نخواهد شد. پاسخ دادن به یک چیستان مانند این است که از یک صخره بلند بر روی صخره دیگر بپریم، بدیهی است در اثر این پرش هم امکان سقوط وجود دارد و هم امکان عبور.

این تعبیر فقط به حوزه چیستان‌های نجات‌بخش اطلاق نمی‌شود، بلکه حوزه آزمون‌ها، پازل‌ها، جداول و دیگر انواع چیستان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. همانطور که در یک پازل قطعات نمی‌توانند در جایی غیر از جای اصلی خودشان قرار بگیرند، در چیستان‌ها نیز اگر دو یا چند پاسخ وجود داشته باشد و یا پاسخ‌ها دوپهلوی باشند، سؤال‌ها اشتباه هستند. یا به تعبیری آزمون‌ها یا پازل‌ها اشتباه طراحی شده‌اند. لذا هیچ کار واقعی و کاملی انجام نشده و هیچ رضایتی نیز حاصل نشده است.

از ویژگی‌های دیگر چیستان‌ها وجود پارادوکس (paradox) در آنهاست. برای مثال عبارت: پرنده نیست، ولی پرواز می‌کند... در واقع چیستان از این طریق می‌تواند به عنوان سبکی آموزشی برای قرار دادن وجوه تناقض در کنار یکدیگر محسوب گردد. این طریق همچنین می‌آموزد که می‌توان ثبات را در طرح‌های مختلف رها کرد (ساختار شکنی کرده).

هنگامی که فردی به سؤال یک چیستان گوش می‌دهد، تصورات مختلفی (مربوط یا نامربوط) به ذهنش خطور می‌کند. این تصورات چاره‌جویی را شکل می‌دهند که ما در آن به جستجوی پاسخ سؤال می‌گردیم. یافتن پاسخ در واقع نحوه ارتباط حوزه‌های معنایی و اشیائی است که ما درباره آنها فکر می‌کنیم. حال در این فرایند غیرممکن‌ها تبدیل به ممکن می‌شوند و نهایتاً منجر به پاسخ صحیح می‌گردند.

بنابراین پاسخ خلق یک چیز سومی است که برتر و بالاتر از تقابل‌های موجود در سؤال است. (در برخی از چیستان‌ها ممکن است جنبه‌های تقابلی وجود نداشته باشند، اما تعاریف و توصیفات مشکلی داشته باشند. در اینجا پاسخ در ترکیب کردن مهمترین جنبه ذهنی با ایده اصلی موجود در توصیفات نهفته است.)

در این وضعیت خودآگاه از یک طرف به طرف دیگر در حال گذار و جستجو است. این طریق و سلوک یک فرصت است، یک درنگ و مکث کوتاه است، زمانی است برای برگشت به درون، زمانی است برای حدس یک پاسخ از روی بصیرت. در واقع این زمان مکث (قبل از شکل‌گیری پاسخ) فرصت مهمی است برای رسیدن به جواب اصلی چیستان.

روانشناسی شناخت معمولاً قابل قبول‌ترین جواب‌ها را برای چگونگی فکر کردن در قبال استراتژی‌ها و الگوریتم‌ها به دست می‌دهد. اما به طور یقین مطالب و چیزهای بیشتری در تئوریه‌ها و نظریات دیگر وجود دارند که می‌توانند از زوایای دیگری به این مقوله نگاه‌کنند و آن را مورد بررسی قرار دهند.

این مقاله کوششی بود برای تشریح مطالبی که قبلاً می‌دانستیم اما از جهاتی متفاوت.



REFERENCES

Breuner 1993 = Бренер, Чарлз 1993. *Психованализа – основен курс*. София: Фондация отворено общество. pp.126–128. In English: Brenner, C. 1974. *An Elementary Textbook of Psychoanalysis*. International Universities Press.

Corsini 1998 = Корсини, Реймънд 1998. *Енциклопедия психология*. София: Наука и изкуство. pp.81. In English: Corsini, R. 1994. *Encyclopedia of Psychology*. Wiley-Interscience.

Durkheim 1998 = Дюркем, Емил 1998. *Елементарни форми на религиозен живот*. София: София-СА. In English: Durkheim, E. *The Elementary Forms of Religious Life*, Oxford University Press. 2001.

Eliade 1999 = Елиаде, Мирча 1999. *Митове, сънища, тайнства*. София: Прозорци. In English: Eliade, M. 1976. *Myths, Rites and Symbols*. Harper Collins.

Gornev 1981 = Горнев, Галин 1981. *Адаптация, творчество, гениалност в съвременния психованализ* [Adaptation, creation, and genius in contemporary psychoanalysis]. София: Наука и изкуство. pp. 103–114

Ana Stefanova

Jung 2001 = Юнг, К.Г. 2001. *Динамиката на несъзнанието*. Плевен: ЕА, ch. 108, p.71. In English: Jung, C. 1997. *The Structure and Dynamics of the Psyche*. Princeton University Press.

Samuels, Shorter & Plaut 1995 = Самюелс, Андрю, Шортър, Бали, Плаут, Фред 1995. *Критически речник на аналитичната психология на К.Г. Юнг*. Плевен: ЕА; p.162. In English: Samuels, A., Shorter, B., Plaut, F. 1987. *A Critical Dictionary of Jungian Analysis*. Routledge & Kegan Paul Ltd.

پند

شماره ۷